مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

پوهاند نصرالله ستانکزی ۲۰۲۳/۱۲/۲۷

برگ های از تاریخ حقوق افغانستان

قسمت دوم

اساس القضات:

اساس القضات مجموعه از قواعد اجراأت محاکم عصر سلطنت امیر عبدالرحمان خان است ؛ که در ۱۲ ربیع الاول سال ۱۳۱۱ هجری قمری مطابق اول جنوری سال ۱۸۹۳ میلادی ؛ به اساس حکم امیر عبدالرحمن خان توسط مولانا احمد جان الکوزی ؛ در ۱۳۶ قاعده در مطبعه دارالسلطنه کابل طبع و منتشر گردیده است.
این مجموعه قواعد که منبعث از احکام شریعت اسلامی است؛ در واقعیت امر نخستین اصول محاکمات (rules of court) مطبوع در افغانستان شناخته می شود .

در آغاز این قانون که مشتمل بر یک مقدمه و قواعد متعدد است ؛ در بخشی از مقدمه این قانون در مورد محتویات باب های سه گانه آن چنین آمده است :« باب اول در آداب قاضی و اوضاعی که لازم است بر او نسبت مدعی و مدعی علیه و شاهدان و سایر اهل محکمه و طریق سماع دعوی ها ، باب دویم در طریق نوشتن مکاتبات شرعیه و کیفیت آن ، باب سوم در احتساب و احکامیکه تعلق به محتسب دارد .».

در آغاز در چند قاعدهٔ از آن قانون بر عدم اخذ رشوه از سوی قاضی و مفتی به تکرار تاکید بعمل آمده و همچنان بحث عزل قاضی و مفتی که رشوت میگرفته ؛ که از طرف خانعلوم (معادل قاضی القضات) به شاه پیشنهاد و پس از منظوری او در عمل پیاده میگردید ، البته استماع شهادت شهود علیه رشوت گیرنده را خانعلوم سمع مینمود و بعداً به ارسال پیشنهاد عزل به مقام سلطنت باید اقدام مینمود . در اساس القضات حتی گرفتن هدیه از طرف قاضی ممنوع بوده است . و شخصی که علیه قاضی ادعای اخذ رشوت مینمود باید در حضور خانعلوم شهادت ادا و سوگند یاد مینمود تا دعوی او مبنی بر اخذ رشوت استماع می گردید .

سپس مواردی است که قاضی نه باید آن ها را انجام دهد ؛ و آن موارد عبارت بودند از : عدم رفتن به ضیافت ها، محافل عروسی و ختنه سوری ، طبق صراحت قاعدهٔ ۶ اساس القضات قاضی اجازه نداشت خودش جهت خریداری ضروریات اش به بازار برود ؛ زیرا رفتن قاضی به بازار هیبت و وقار او را متاثر می سازد، قاضی در موارد چون گرسنه گی ، تشنگی، بی خوابی ، مریضی و عدم تعادل روحی و یا حالت اشتیاق جماع نه باید به قضایا رسیدگی و به اصدار حکم می پرداخت ، در صورت قرابت ، خصومت و ادای شهادت که قبلاً در موضوع متنازع فیه از سوی قاضی بین طرفین دعوی صورت گرفته و زمانی که چنین موضوعی به قاضی موصول می گردید ؛ باید از قضاوت در همچو موارد اجتناب می نمود .
به اساس احکام مندرج در اساس القضات محل تدویر محاکم مراجع مانند دفاتر مقامات ارگان های محلی پیش بینی شده بود. به منظور جلوگیری از تراکم مردم در محاکم قاضی باید برای قضایا روز و تاریخ معین را مشخص می ساخت و تقسیم اوقات ونام‌قضایای مورد رسیدگی را در عقب دروازه دفتر اش نوشته و آویزان می کرد ، برای تنظیم این امر برای قاضی دربان نیز پیش بینی گردیده بود .

برای شنیدن دعاوی زنان باید قاضی روز جداگانه را در هفته اعلان می کرد ؛ حتی زنان که به هیچ وجه از خانه نمی برامدند و یا در مسافات خیلی بعید زندگی میکردند ؛ قاضی برای شنیدن دعوی آنها یک شخص معتمد را به عنوان خلیفه قاضی (جانشین قاضی) تعین می نمود تا دعوی آن گونه زنان را استماع نماید. این اصل در مورد اشخاص مسن ومصاب به امراض که توانایی حضور در محکمه را نداشتند نیز مرعی می گردید .

بعدا در آن قانون راجع به طرفین دعاوی مطالبی مندرج است ؛ طبق احکام اساس القضات محل تدویر دعوی محل سکونت مدعی علیه پیش بینی گردیده بود ، ورقه احضار به واسطه مدعی به مدعی علیه در محضر عام سپرده و

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

محتویات جلب با صدای بلند باید قرائت می شد؛ در صورت عدم حضور شخص به محکمه توسط پولیس شخص اجباراً به محکمه احضار می گردید ؛ شخص مفرور به پرداخت مصارف پولیس نیز مکلف می گردید . و اگر باز هم مدعی علیه با مراجعت و اطلاع دهی پیام علنی خود را مخفی و به محکمه حاضر نمی شد ؛ قاضی برای حل و فصل دعوی برایش وکیل انتخاب و در غیاب او به اصدار حکم می پرداخت .

طبق احکام اساس القضات ؛ ترتیب وثایق به شمول نکاح خط ها و قبله جات از صلاحیت قاضی بود که در برابر آن پول معینه از طرف قاضی اخذ و به خزانه دولت منتقل می گردید .

قاضی ها و قاضی القضات مکلف گردیده بودند تا بر اموال وقفی نظارت داشته باشند ؛ تا از غضب آن ها جلوگیری به عمل اید .

هم چنان قاضی مکلف بود اموال و دارایی متوفی را تقسیم نموده و به عنوان قاسم (تقسیم کننده) یک مقدار پول را اخذ و به خزاینه دولت تحویل دهد ، هم چنان در مراسم عقد نکاح به استناد احکام اساس القضات باید حاضر می شد و در صورتی که عذری میداشت به نمایندگی او مفتی باید حاضر و عقد نکاح را پس از تفحص و یقین کامل مبنی بر صحت ارکان و شرایط نکاح منعقد و آن را تحریر مینمود . قاضی مکلف بود راپور اجرات ماهوار خویش را به خانعلوم بفرستاد و خانعلوم تمامی تصامیم و احکام قضایی صادره را از نظر گذشتناده و در صورت نواقص تصحیح و یا در صورت لزوم به اصدار حکم جدید باید می پرداخت .

هم چنان قاضی در نماز های جمعه و اعیاد علاوه بران که باید حضور به هم میرساند دیگران را نیز باید ترغیب مینمود تا اشتراک ورزند ، هم چنان از وظایف دیگر قاضی آن بود تا از چگونگی وضعیت اخلاقی و مفاسد در محل آگاهی میداشت .

در اساس القضات به اساس احکام فقه اسلامی در مورد تدویر جلسات قضایی ؛ موقعیت های قرار گرفتن مدعی و مدعی علیه در جریان محاکمه ؛ عدم تفهیم و تلقین به طرفین دعوی توسط قاضی و هم چنان رعایت نوبت در بین متداعیین ، عدم عتاب طرفین دعوی در جریان محاکمه نیز نصوصی به نظر می رسد .

اساس القضات در قاعده ۵۱. خویش مدت مرور زمان به استثنای دعاوی وقف، میراث و غیابت را مدت پانزده سال هجری قمری معین نموده بود .

به همین منوال در این قانون مامور محکمه مکلف به نوشتن تمامی ادعا ها و مدافعات طرفین دعوی در کتاب دعوی که از قبل در محکمه باید موجود می بود ؛ گردیده بود . بر اساس نصوص مندرج در اساس القضات وسایل اثبات در دعاوی عبارت بودند از : اقرار ، اسناد ، شهادت و یمین یا سوگند و انواع آن مطابق احکام فقه حنفی به شمول ترکیه شهود ؛ پیش بینی گردیده بود . آن چه در قواعد ۸۶ و ۸۷ اساس القضات به ملاحظه می‌رسد حبس مدعی علیه محکوم علیه در دعاوی مدنی الی زمان ادای دین ویا دادن ضمانت پیش بینی گردیده بود .

آن چه در اخیر قابل یاد آوری است ؛ طوری که در مقدمه اساس القضات تذکر رفته آن قانون مشتمل بر سه بخش بوده ؛ اما صرف باب اول آن که مشتمل بر ۱۳۶ قاعده است چاپ و نشر گردیده است .

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ